

بررسی تمثیلات در اشعار داستانی، عیشی لکهنوی

زین العبا*

چکیده:

میان طالب علی خان متخلص به عیشی شاعر و نویسنده بزرگ قرن سیزدهم هجری قمری شبه قاره بوده و در زبانهای فارسی و اردو اشعار گرانبها سروده و در نثر نویسی نیز مهارت داشته- وی به دلیل مهارت در پرورش معانی بلند در زمینه های اخلاقی، اجتماعی و عرفانی، تمثیل با تعابیر ارسال المثل، حکایات، مثل و ضرب المثل استفاده نموده است و تمثیلات خود را در انواع ادبی گوناگون با کارکرد های آتی گنجانده است- تمثیل داستان در مثنوی های عیشی زیباترین نوع تمثیل است. وی عارف و سالک و شاعر بی بدیل در داستان ها است.

واژه های کلیدی: عیشی، شاعر، نویسنده، تمثیلات، داستان، قرن سیزدهم.

*استاد یار، دانشگاه پنجابی، پتیاله، پنجاب، هند.

در نیمه اول سده سیزدهم به اسم میان طالب علی خان تخلص بی عیشی زیسته است، که به عیشی لکهنوی معروف گردیده، طالب علی خان فرزند میان علی بخش خان در سال ۱۱۹۷ م چشم به جهان گشود، پدرش از موال الماس علی خان خواجه سرای بارگاه آصف الدوله بود، عیشی در عهد نواب سعادت علی خان به زبان فارسی و اردو شعر می سرود و در نثر نویسی نیز مهارت کامل داشت. وی شاگرد میرزا محمد حسن قتیل (۱۲۳۳ق) بود. قتیل به هنگام مرگ او را جانشین خود در شعر گوئی معرفی کرده بود. عیشی شاعر ذولسان بود. همه تذکره نویسان بر این متفق اند و مصحفی در ریاض الشعراء می نویسد! ”که شعر فارسی و هندی را به متانت و ندانت تمام می گوید“.

شیفته ”در گلشن بی خار“ می نویسد: ”طالب علی خان بر سر مشق غزل های ریخته و فارسی است و صاحب دیوان به هر دو زبان است؛ راستی عبدالغفور نساخ در تذکره خود ”سخن شعراء“ بیان می کند که: ”عیشی دیوان فارسی و اردو و مجموعه نثر و سرو چراغان یادگار گذاشته است. مولف تذکره ”خوش معرکه زیبا“ عیشی را استاد دو زبان، اردو و فارسی نوشته است. نیز کریم الدین در طبقات شعرای هند رقمطراز که عیشی در دو زبان اردو و فارسی دیوان اشعار دارد. از این تذکره نگاران ثابت و واضح می شود که عیشی علاوه بر زبان اردو در زبان فارسی نیز تبحر کامل داشت. در تذکره ریاض الفصاء آمده است که عیشی دیوان یا کلیاتی دارد که در هفت موضوع نوشته است. مدایح و قطعات، در وصف شکار که مثنوی در شکار نواب سعادت علی خان است. مثنوی جنگ خیلان، چهار دوست، داستان بخار، خیاط زرگرو عابد که باهم دوست بودند. مثنوی بزمی، جنگ نامه رستم الملك در رویداد جنگ رستم الملك که

عیشی ستایشگر او بود. عیشی در ۳۵ سالگی "دیوان اردو" و "کلیات فارسی" سروده است. بگفته چرپا کوتی عیشی لکهنوی ترکیب های فارسی به کار برده است اما ذره ای در فصاحت اردو تفاوتی ایجاد نکرده است. درباره وفات این شاعر مولف صبح گلشن نوشته است که "عیشی به دلیل بیماری طاعون در سال ۱۲۴۰ ق در گذشت و چهار ساعت بود همسرش هم از این دار فانی به دار البقا شتافت". مولف آب بقا نوشته است که او در سال ۱۲۶۰ ق در گذشته است، اما این درست نیست چون در هیچ منبعی، حیات عیشی تا ۱۲۶۰ هجری ذکر نشده است و ممکن است خطای کاتب بوده باشد (قیصر امروهی ۱۲۶۰، ۲۶۱) میان طالب علی خان عیشی شاعر و نویسنده به دلیل مهارت در پرورش معانی بلند در زمینه های اخلاقی، اجتماعی و عرفانی. تمثیل با تعبیر ارسال المثل، حکایت، مثل و ضرب المثل استفاده نموده است. این شاعر و نویسنده و توانا بیش از ۲۱۶۱ بیت مثنوی سروده است، وی تمثیلات خود را در انواع ادبی گوناگون با کار کردهای آتی گنجانده است. ۱۳۱ بیت در وصف شکار، ۱۳۷ بیت جنگ فیلان، ۲۲۴ بیت مثنوی چهار دوست (حقیقت و مجاز) مثنوی بزمی، ۲۰ بیت، مناجات ۱۲ بیت، نعت شریف، ۱۳ بیت، صغیر سنجی بلبل قلم، در ذکر نیرنگ سازی گلشن عشق ۲۱ بیت، ترانه سنجی در هوای مطرب و ساقی ۳۸۴ بیت، انواع حکایت اخلاقی و عرفانی ۱۴ حکایات جمعاً ۲۹۲ بیت، مثنوی در بی مهری ابناء روزگار ۳۷ بیت. مثنوی در بیان طب/تب ۴۱ بیت، مثنوی در هجو فصاد ۳۲ بیت، مثنوی در بحر و ردیف قافیه گریهای سعدی ۱۷۲ بیت، در هجو پشه ۲۶ بیت در مدح رستم الملك، ۸ بیت، در نعت رسول^ص ۳ بیت، مثنوی رزمی رستم از آغاز داستان تا پایان ۲۲۴ بیت، در تهنیت عهد رستم الملك ۲۳۲ بیت.

در این مقاله نمونه های از بهترین ها اکتفا می نمایم، کاربرد تمثیل در اشعار طالب علی خان فراوان است و اغلب از نوع تشبیه بنا به تعریف ”تمثیل خاص“ و با نظر جرجانی در اسرار البلاغة که تمثیل را در نهایت، همان مثل نامیده و گاهی که وجه شبه آن عقلی و غیر حقیقی است. در مواردی عیشی بالنظر خطیب قزوینی، که در تعریف بلاغی به بقول فتوحی! تمثیل از خانواده مجاز و استعاره تمثیلیه، یعنی مجاز مرکب بالاستعاره را که معمولاً به يك جمله مرتب شده است به استعاره تمثیلیه اقتداء می نماید. در دیوان عیشی از این نوع تمثیل فراوان یافته می شود. در زیر نمونه ها را بر رسی می کنیم: نعل خورشید در آتش افکندن، استعاره از بیقراری:

خدننگ تار او را صید ناهید زر خسارش در آتش نعل خورشید

طشت ماه از بام افتادن استعاره از حقیر و بی رونق شدن:

کمر در خدمتش ز بسته بهرام بشوقش طشت ماه افتاده از بام

میان طالب علی خان عیشی در چهارده حکایت از تمثیل های داستانی و روایی استفاده نموده است بطور مثال: در داستان چهار دوست؛ عیشی از تمثیل رمزی با ملقحه ای از تمثیل رویا در انتقال در که و دریافت باطنی خود به اهل معنی می کوشد؛ این داستان ۲۲۴ بیت دارد. حکایت چهار دوست در لباس نجار، خیاط، زرگر و عابد است. این چهار شخصیت در جریان سیال داستان به معنی شغلی خود نائل می آیند. چهار دوست سپس عزم سفر می کنند و چون بوی گل به غربت دل می نهد، به فرعه ای نمی رسند که؛

لباس خضر در بر هر گیاهش مسیحا دم نسیم صبح گاهش

هر شخص به قوت و همت خود به کاری پرداختند یعنی کار اصلی از میان اینها نجار می

انجامد:

ز چوب خشك تصويرى تراشيد كه گشت آيينه دار ماه و خورشيد
اين تصوير مجاز در ذهن سه دوست ديگر به حقيقت مبدل مى شود. تصوير جان مى
گيرد و در چشم زرگر، آن نقش زيبا فقط تصويرى نيست بلکه جسمى است كه به بيرون
روح و هستى مى بخشد. عينيت بخشى نجار از طرف سه دوست ديگر ادامه مى يا بو؛
به گونه اى كه زرگر به همت خود، برايش حلقه و خلخال مى سازد و هر کدام از خياط
و عابد نيز، دعوى عشق ورزيدن نمودند، به قاضى مرصبه مى كنند و قاضى نيز آن الگو
و طرح شكفت آور مى شود. در واقع اين چهار دوست تمثيل رمزى چهار طبع سرکش
آدمى هستند كه در اعتدال مزاج به هم مى رسند؛ و مطهر شكوه موجودات و منشاء
آفرينش زيبايى ها مى گردند، كه شاعر در پايان حكايه نخل وجود آدمى را توصيف مى
كند:

چه نخل سايه پروردش جهانى ز رفعت بر زمين خود آسمانى
بهار دلپذيرش غارت هوش به شاخ سدره، شاخش دوش بر دوش
چو جنت معتدل يكسه حوايش جهان را ساز و برگ از گياهاش
در جاى ديگر شاعر انسان و مردم را به اصل و فرع خویش متوجه مى کند كه از غفلت
(خاك) شدن هيچ كس مبرا نيست شعر ملاحظه شود:

الاى نقش موهوم فنا دل مشو از اصل و فرع خویش غافل
وجوع آكر به سوي خاك دارى سزد همچون تويى را خاكسارى
به اصلت اتصال ساز حاصل به دريا قطرات را ساز واصل

در اين تمثيل رمزى، شاعر در اسرار را به روى مخاطب مى گشايد:

تو را گر صد ز بان چون غنچه داد زد در اسرار بر رویت گشادند
شاعر در این شعر نامه های آتش افشان و شبهای نار خویش را به صبح محشر مبدل کرده
است:

بسکه از دل ناله های آتش افشان می کشم صبح محشر کرده ام شب های ناله خویش را
غم انگیزی که چشم کاهده را رشک رنگ یاقوت را تمثیل رمزی نموده که صد وقت از
نوک مژه قطره خون می چکد:

جسم کاهده من رشک رنگ یاقوت است بسکه خوشید ز نوک مژه خوناب مرا
رنگ یاقوت سرخ است و رنگ خون هم سرخ است این ترکیب قابل ستایش است.
تقی پور نامدار ریان می نویسد: که شخصیت ها، حیوانات و اشیاء نماینده
اشخاص یا مفاهیم یا اشیایی دیگر هستند، بر معنی حقیقی و متعارف خودشان دلالت
نمی کنند، به طور کلی تمثیل رمزی نامیده اند. لذا داستان چهار دوست، هر کدام از
شخصیت های مثل نجار، خیاط، زرگر و عابد تمثیل یکی از مزاج ها یا عناصر اربعه
هستند؛ که در یک دیگر جریان هستی را رقم زده اند در این داستان تمثیل؛ عامل آگاهی؛
خویشکاری نجار است. خویشکاری طبیعت خلاق شخصیت یا شیئی است. ارتباط
کارا کترهای در داستان یا قصه به این طور است که: ”یکی از شخصیت های قصه از
دیگری چیزی و اطلاعات کسب می کند به این ترتیب خویش کاری قبلی و بعدی
پیوند می خورد، در این تمثیل نیز. نجار تصویری را بر چوب می تراشد و پس از نقاشی
خود می سراید:

چو شر تا پا شد آن تصویر موجودن خستین هوش از نجار بر ربود
خوشا نقشی که از حسن صفایش دل نقاش هم گردد فدایش

به گفتن خامه‌ی قدرت بر این کار به آواز بلند حسنت صد بار
هنر عیشی در داستانهای تمثیل، به مرزهای روانشناختی اشاره به تمثیل و رمز است. در
مثنوی بی مهری روزگار، جای که شاعر از انبای روزگار خسته می شود. راه عزلت زهد
و دریافت در کنج خانه و تنهایی می نشیند. و احتمال گمراهی در خلوت و تنهایی را
هوشدار می دهد و پیش بینی می کند و می سراید:

نمایم بعد از این ترك محبت به دامن پاکشم در کنج عزلت
مرا فروزم به تنهایی شبانه چراغ غول را در کنج خانه
از اشعار تمثیلی عیشی دیده می شود که شاعر ناچه حدی به عمق از شهای قومی،
فرهنگی و ادبی از اندیشه های اقوام عامیانه در زبان فارسی آگاه بوده است که در
تمثیلات معنوی او در دنیا از عرفان و آفرینش را حکایت می کند. در دو مین حکایت با
موضوع "درویش و پادشاه" به این شعر شروع می شود:

شاهی بر ملک و مال مغرور در خامه ای معرفت تنش غور
طالب علی خان در تمثیل قرآنی "لعو و لعب" بودن دنیا و آخرت ز بستن انسان را با
نشان دادن ضعف نفسش یاد آور می شود. پادشاه اتفاقاً بر درویش خلوت گزیده ای
گذر می کند. از وی می خواهد هر حاجتی که دارد، بگوید: "تا شاه بر آورده سازد؛
درویش می گوید تنها حاجت من در کردن زخم و آزار نیش پشه ها در شب، و در این
خرابه و عزلت است. شاه می پرسد فرمانده پشه ها بگو کیست؟ تا به او فرمان دهم از تو
دور شوند. درویش خنده ای زده و می گوید: شاهی که نمی تواند پشه ای از کسی دور
کند، این چه قدرتی است که ادعای شاهی بر جان و مال مردم کند؟ بدین ترتیب عیشی
تمثیل و ضرب المثل مگسان گرد شیرینی را به پادشاه یاد آور می شود. شاه از غفلت

خود شرمنده شده، بیدار می شود و در می یابد که درویش به خاطر دوری از خسان و دونان به گنج فتاعت و خرابه عزلت پناه برده است. شاه می تواند عقل مصلحت اندیش و پشه نیز تمثیل نفس مال اندیش باشد که شاعر در پیکر پشه ای ضعیف فرافکنی نموده است.

عیشی در حکایت "ترانه سنجی سخن در هوای مطرب و می" به سبک ساقی

نامه به، سفری از نوع تمثیل رویا و تجربه عشق مجازی را سر می دهد:

سه روز و شب به صد بیتابی دل بدنیسان قطع می کردم منازل
جهان چون روز چهارم گشت پر نور سواد اعظمی پیدا شد از دور...

تمثیل فنون بلاغتی است که نه تنها در زبان فارسی بلکه در سایر زبان های جهان رواج دارد. نسخ خطی مهمترین میراث مکتوب فرهنگی است، که بستر آفرین تمثیلات اجتماعی و تعلیمی هستند، مثنوی های عیشی حاوی بیش از دویست تمثیل از مشترکات زبان فارسی شبه قاره هند و ایران است در این مقاله پس از بررسی دقیق به این نتایج به دست آوریم که، که در همه صنایع ادبی از جمله کنایه، تشبیه و استعاره اثری پر بار است. در زمینه تمثیل که موضوع این مقاله است؛ تمثیلی یا تشبیه قرار می دهد. در حوزه معانی و بیان بخش مثنوی های عیشی مشاهده شد که شاعر گاهی در بیت؛ مثل یا تمثیلی گسترده را به شکل فشرده و با ظرافت زبان، در قالب استعاره تمثیلی بکار برده است؛ در مثنوی "تب" برق و خرمن افتادن، تمثیلی برای نابودی و ازین افتن هستی آدمی است، شعر:

بدنیسان سوخت از پا تا سر من که گویی برق افتاده به خرمن

"گریه کردن ابر" تمثیل برای نهایت نگرانی و بچارگی و بیکسی ها در زندگی است:

به حال خویشتن از بیکسی ها جو ابرم نیست مشق گریه بیجا
”داغ حسرت گل“ تمثیلی از حسرت و یامس ناکامی است
داغ حسرت گلی از گلشن ما آرزو خار سردامن ما
شرر باری ”شعله دوزخ“ این هم تمثیلی است:
شعله دوزخ شرر آه آتش بارما رونق باغ جهان خار سردیوار ما
”آب به آتش زدن“ کار بردی برای خاموشی ساختن التهاب درون را و بی اثر ساختن آن
به انگیزه احساس آرامش:

ز طوفان خیز سیل اشک بیتاب به روی آتش خود می زخم آب
تمثیل داستان در مثنوی های عیشی زیبا ترین نوع تمثیل است. عیشی عارف و سالک و
شاعری بی بدیل در داستان ها است. پیوند فلسفی چهار عنصر دنیا را در جسم بشر
بانوزد در فطرت شرح می دهد. نجار، خیاط، زرگر و عابد رمز ”طلب“ اند که در
جمعیتی پس از پریشان به خویشکاری عشق و وحدت بعد از کثرت نایل می گردند.

کتاب شناسی و منابع:

- ناصر، سعادت خان (۱۹۸۳م)، تذکره ”خوش معرکه زیبا“ اترپردش اردو اکادمی، لکهنو.
- مصفهی غلام همدانی، (۱۹۸۵م)، تذکره ریاض الفصحاء، اترپردش اردو اکادمی، لکهنو.
- تقی، پورنامدار ایران، (۱۳۸۳ش)، رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ایران.
- ۴. حسینی کاروفی، احمد (۱۳۹۴ش)، تمثیل و ادبیات تمثیلی، فصلنامه

- تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره ۲۳، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۶ش) امثال و حکم، انتشارات امیر کبیر، دوره چهارم جلدی، ج ۱۴ -
۶. شمس، سیروس، (۱۳۸۶ش) فرهنگ انتشارات، دو جلدی، نشر میترا، تهران.
۷. علوی مقدم، محمد اشرف زاده، رضا، (۱۳۷۹ش) معانی و بیان، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، انتشارات سمت، ج ۲، تهران.
۸. فتوحی، محمود، (۱۳۸۹ش) بلاغت تصویر، انتشارات سخن، ج ۲، تهران.
۹. شیفتا، محمد مصطفی خان (۱۹۶۳م)، گلشن بی خار، نفیس اکیدمی، کراچی.
۱۰. محمود حسن قیصر (۱۹۶۰)، طالب علی عیشی، کتابخانه رضا، رام پور، معارف، ش ۴، جلد ۵، آوریل اعظم گره، هند
۱۱. نساخ، عبدالغفور (۱۹۸۵م) تذکره سخن شعراء، اردو اکادمی اترپردش، لکهنو.
۱۲. عیشی طالب محلی خان لکهنوی (۱۲۳۲ق) نسخه خطی، کلیات دیوان طالب علی خان عیشی لکهنوی، شماره ۱۶۴۲/۶۷۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران.